

# روانشناسی اسلامی

(۲)

۱ - ناموس آفرینش

۲ - دنیای درون

۳ - احترام نوامیس روانی

\* \* \*

## ناموس آفرینش

این آفتاب که بحکم همان جاذبه ، مرکز منظومه شمسی ما است بر اقیانوسها تا بیده و آب دریاها پس از تبخیر و تصاعد بصورت ابر در آمده و بکمک جریان هوا که بستگی به درجات حرارت آن دارد بر فراز خشکیها قرار گرفته و بنام باران فروریخته و سطح زمین را سرسبز و جنگلها را خرم نموده و زیادی آن در دل خاک فرورفته و با برخورد به ریشه های کوه و طبقه های متحجره مخازنی بوجود آمده و چشمه ها و چاههای آرتیزن در اختیار بشر قرار گرفته و با استفاده از آنها کشت و زرع داشته ، و آب و نانی بدست آورده و زندگی میکند .

با توجه باین قسمت کوچک و ساده از نظام آفرینش ، وجود چند قانون از

نوامیس طبیعت روشن میگردد :

تأثیر نور ، حرارت ، آب ، هوا ، مقررات نژادی نباتات و صدها امثال آن که گفتگو درباره آنها از بحث ما بیرون است .

مادر زندگی روزمره خود حتی بدون توجه ، از این قوانین طبیعی احترام میکنیم ، برای رفع گرسنگی غذا خورده ، برای رفع تشنگی آب مینوشیم ، برای

معالجه فقط بدکتر متخصص مراجعه نموده و تنها داروئی را که اونوشته است تهیه کرده و با دقت کاملی دستور پزشک را انجام می دهیم .  
 برای دانش آموختن از دبستان ، دبیرستان ، دانشکده ، دانشگاه و بالاخره استادان و دانشمندان استفاده کرده ، برای هنر و صنعت بکارگاههای فنی و صنعتی مراجعه می کنیم .

خلاصه در سراسر زندگی برای انجام هر کار از وسیله معینی استفاده کرده راه مخصوصی رامی پیمائیم ، و بطور کلی این اصل مسلم علمی و ناموس وسیع طبیعی ؛ که بر تمام قوانین و نوامیس طبیعت حاکم بوده و بنام (رابطه علیت) خوانده میشود ، مورد استفاده و احترام ما است .  
 ما این اصل ، و معنی و مفهوم آن را بشناسیم یا نه ، خود بخود از آن بهره گرفته و نمیتوانیم با ویی اعتنا باشیم .

یعنی بوجود آمدن هر چیز و هر حادثه علت و سبب خاصی داشته و بدست آوردن هر چیز وسیله و راه معینی دارد که از راه و سبب دیگر پیدا نشده و به آن نمی توان رسید (۱)

جهر زندگی و نظام آفرینش را با احترام از این قانون وادار میکند ، ما بخواهیم یا نخواهیم ، بدانیم یا ندانیم محکوم آن بوده در چهار دیوارش قرار داریم .

جز آنکه بهر مقدار آن را بیشتر و بهتر بشناسیم بهره بیشتر و بهتری خواهیم برد و برای مصونیت از زیانهای آن پیشگیریهای بیشتری میتوانیم داشته باشیم .  
 تأثیر نور ، حرارت ، آب ، هوا ، جاذبه ، علیت و امثال آنرا نوامیس مقدس طبیعت و مقررات ثابت خلقت میگوئیم و ما آنها را مجاری اراده (و با نظر دقیق علمی اراده) الهی میخوانیم و نه تنها خدای را بر استثنائات آن توانا میشناسیم بلکه استثنائات را نیز در سایه نوامیس دیگر آفرینش که باز مجاری اراده خداوندی هستند میدانیم . (۲)

(۱) اَبی اللّٰه ان یجری الامور الا باسبابها : آفریدگار جهان هر کار را تنها از راه و سببش انجام میدهد .

(۲) لَمْ يَلِكِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَحْيَىٰ وَيَمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ ←



## دنیای درون

همانطور که با مطالعه مختصری در زندگی روزمره بوجود این نوامیس بی برده و نظام اجمالی آفرینش را میشناسیم ، یعنی می بینیم که چرخهای زندگی مادی بر محورهای مخصوص و معین و در مدارهای ویژه و محدودی میچرخند ، زندگی روانی و روحی انسانها هم درست همین حساب را داشته و در چهار دیواری مقررات و قوانین ثابت روانی قرار دارد ، با این تفاوت که شناخت مقررات مادی آسانتر بوده و هر کس میتواند بزودی متوجه آنها شود ، اما شناخت قوانین روانی کمی دقیقتر و پوشیده تر است .

اگر شما بشنوید: آنطرف دنیا زلزله، طوفان یا سیل جمعیت زیادی را نابینگام در کام خود فرو برده و مردمی را بی خانمان ساخته خود بخود ناراحت شده ، قیافه عطوفت آمیزی بخود گرفته و حداقل کلماتی که نشان رقت و ترحم است بر زبان میآورد .

اگر شما بگویند : زمامدار جبار و خود سری بر مردمی مسلط شده با ایجاد تاریکترین محیطهای اختناق و بیداد گری همه گونه ظلم و ستم را روا میدارد ، خود بخود عضلات چهره شما جمع شده با قیافه گرفته اظهار تنفر و انزجار میکنند .

اگر شما بگویند: مردمی در نهایت رفاه و آسایش در سایه عدالت و داد گستری بزندگی سرگرم ، و در راه تمدن و پیشرفت مادی و معنوی خود در محیط آزاد بفعالیتهایی مشغولند ، خود بخود و بدون اختار خرسند شده حالت نشاط و انبساطی پیدا خواهید کرد .

و بالاخره شما از دیدن ، شنیدن ، و یا خواندن يك سلسله مطالب و حوادث

← الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شیء علیم (سوره حدید آیه ۲ و ۳)  
پادشاهی زمین و آسمانها از اوست ، مرگ و زندگی بدست او بوده و بر همه همه چیز توانا است .

اوست نخست و پایان و آشکار و نهان ، و بهر چیز داناست .

خوشحال شده نشاط و انبساطی پیدا کرده و از حوادث و مطالب دیگری غمناک گشته گرفته و ناراحت می‌شوید .

اگر کسی بشما احترام کرده با رعایت اصول ادب و تربیت برخورد کند ؛ شما هم خود بخود باو احترام کرده عمل انسانی وی را پاسخ مثبت می‌دهید . چنانچه اگر بایی اعتنائی رو برو شوید شما هم عمل بمثل نموده و اگر با تندی و پر خاش برخورد کنید ممکن است شما هم احساساتی شده و کمتر بتوانید خود را کنترل کنید (۱) گرچه اگر با اصول روانی آشنائی کاملی داشته باشید و شرائط طرف را از نظر همان اصول ببیند ، نه تنها عمل بمثل نکرده بلکه ممکن است با عکس العمل خود وضع روانی او را دگرگون کنید (۲) .

(۱) .... من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين :

(سوره بقره آیه ۱۹۰)

و اگر کسی بحق شما تجاوز کرد ساکت ننشسته کاملاً از او جلو گیری کرده عمل بمثل کنید ولی در عین حال پرهیز کاری را فراموش نکرده در این راه خدای را نافرمانی نکنید و بطور حتم بدانید که خدا با پرهیز کاران است . ملاحظه میفرمائید در آیه شریفه در عین آنکه بحکم غریزه انسانی و عمل به مثل احترام شده برای پرورش عظمت روحی و رشد و تقویت آن بمسأله تقوی با این شدت توجه شده است .

(۲) مردی که در شام تحت تأثیر تبلیغات مداوم معاویه با دشمنی علی و فرزندان علی بزرگ شده بود برای انجام کاری بکوفه آمد . بر حسب تصادف حسن بن علی علیه‌السلام را در کوفه دید ، رسیده و نرسیده شروع کرد به حرقهای زشت و نامناسب و آنچه در خوردشمنی و عداوت بود بحضرتش گفت ، آنقدر گفت و گفت که خود حرفش را قطع کرده در انتظار عکس العمل ایستاد . امام حسن (ع) با قیافه باز و پر نشاطی تبسم کنان در پاسخ آنهمه خشونت فرمود : معلوم است غریبی و تازه باین شهر آمده‌ای ، حتماً کار لازمی داشته‌ای ، ما اینجا وسیله داریم اگر از نظر زندگی در مضیقه باشی میتوانیم بتو کمک کنیم ، از

پیدایش این دگرگونیها که در تمام انسانها دیده میشود بخوبی نشان میدهد که روابط مخصوص وقوانین معینی دردنیای باطن نیز وجود دارد که از آنها بفرایز تعبیر شده و فصل وسیعی از آفرینش را گرفته اند .

همین فرایز و نوامیس درونی انسانهاست که زیربنای زندگی فرد و اجتماع را میریزد ،

همین فرایز و قوانین باطنی است که حتی زندگی مادی انسانها را هم رنگ خود میکند .

اینجا است که میگوئیم زندگی هر کس ساخته افکار او است .

اینجا است که میگوئیم زندگی انسانها در چهار دیواری مقررات روانی قرار داشته و با کوچک و بزرگ بودن آنها کوچک و بزرگ میشوند ، یعنی با شناخت و بهره برداری بیشتر از آنها زندگی بهتری میتوان داشت .

\* \* \*

### احترام از نوامیس روانی

فرایز درونی و نظامات دنیای روان نیز بنوبه خود مجاری اراده الهی بوده خوشبختی و سعادت یا بدبختی و شقاوت انسانها بآن بستگی داشته و با چگونگی بهره برداری و بکار بردن آنها ارتباط مستقیم دارد . (نا تمام)

← نظر خانه و کاشانه خوراک و لباس ناراحت نباشی ؛ و اگر کارتان هم جنبه اداری داشته باشد و بکمک ما نیازی افتد حتماً درست میکنیم و ...

شما خود فعل و انفعالات روانی آن مرد شامی را در برابر عظمت روحی امام حسن (ع) ملاحظه کنید و ببینید حق داشت گریه کنان ، پوزش خواهان بگوید راستی شما میدان خاندان رسالت **الله اعلم** حیث **يجعل رسالته** .